

پیترو دبستانے و دبستانار غیر دولنے امیر کبیر



# اصول داستان نویسی

با برداشت از: کتاب پلی به سوی داستان نویسی - نوشته ی داریوش عابدی

تهیه کننده: محمد رنجبر

[www.AmirKabirEdu8.ir](http://www.AmirKabirEdu8.ir)

۹۲-۹۳





## فهرست مطالب

۳	.....مقدمه
۳	..... الف ( طرح داستان :
۴	..... ب ( شخصیت پردازی :
۴	..... پ ( اسم داستان :

برای اینکه بتوانیم داستان بنویسیم، لازمه که راه و روش آن را بلد باشیم. پس اگر تا حالا سعی کردیم یک داستان خوب بنویسیم ولی نتوانستیم، برای این است که بدون توجه به اصول، شروع به نوشتن کردیم.

## الف) طرح داستان :

داستان برای شکل گرفتن و کامل شدن نیاز به زمان دارد و داستان نویس در نوشتن آن نباید عجله کند. زیرا سوژه ای که به ذهن شما می آید باید مدتی در ذهنتان باقی بماند تا هم در زمینه های مختلف مطالعه کنید و هم در مورد عناصر تشکیل دهنده ی آن فکر کنید. هر داستانی بعد از مدتی، خودش مانند میوه ای رسیده، از شاخه ی ذهنتان جدا می شود و روی صفحه ی سفید دفترتان می افتد. برای این کار داستان باید مراحل زیر را بگذراند : ۱ - موضوع یابی ۲ - پیام داستان ۳ - طراحی داستان ۴ - رشد و پرداخت داستان .

۱ - داستان نویس قبل از هر چیز باید بداند که قصد دارد درباره ی چه موضوعی داستان بنویسد.

۲ - از هر موضوعی باید در حدّ خودش انتظار رشد داشت. مثلاً اگر بخواهید رمانی طولانی بنویسید، باید موضوعی را انتخاب کنید که بتوان روی آن بیشتر کار کرد و همچنین نباید با موضوع های بلند، داستان های کوتاه بنویسید که باعث ورود حوادث پشت سرهم یا ورود شخصیت های گوناگون که درست معرفی نمی شوند و در ذهن خواننده باقی نمی ماند و باعث سر در گمی او می شوند .

۳ - پیام داستان نباید مستقیم بیان شود. بلکه باید مانند یک قند که در آب حل شده است، طوری در داستان به خواننده ارائه شود که دیده نشود ولی خواننده در طول استان آن را احساس کند. برای این کار باید در انتخاب شخصیت ها، حوادث، گفتگوها و ... دقت بسیار زیادی به خرج داد. زیرا هریک از این عناصری که در خدمت پیام هستند، می توانند پیام را با قدرت بسیار زیاد به نمایش بگذارند.

۴ - یک نویسنده برای نوشتن داستانش باید نقشه داشته باشد. نقشه ی نویسنده برای نوشتن داستان را، «طرح داستان» می گویند. پس از آماده و تکمیل کردن طرح داستان است که نویسنده می تواند به سراغ نوشتن خود داستان برود.

۵ - طرح داستان باید روشن و کامل باشد؛ یعنی معلوم باشد که داستان از چه نقطه ای شروع شده، چه مسیری را طی کرده و چطور به پایان رسیده است. کمترین توقّعی که خواننده پس از خواندن داستان دارد، این است که بتواند طرح آن را تعریف بکند. یعنی بگوید که داستان درباره ی چه کس و یا چه چیزی بوده، چگونه شروع شده، چطور ادامه پیدا کرده و چطور پایان یافته است.

۶ - باید برای هر عمل و حادثه ای که در داستان اتفاق می افتد، دلیل روشن و محکمی ارائه داد و علت بروز آن عمل و حادثه نیز در داستان باید به نحوی روشن باشد.

۷ - در هر طرح باید شخصیت اصلی، حادثه ی اصلی، زمان و مکانی که حادثه در آن روی داده است، کاملاً روشن و مشخص باشند.

۸ - طرح داستان باید در خدمت پیام داستان باشد. گاهی اوقات در حین نوشتن و تکمیل کردن طرح داستان، حوادث پرهیجان و یا شخصیت های جالبی به ذهن نویسنده می رسد که نه تنها نقشی در انتقال پیام ندارد، بلکه باعث کم رنگ شدن آن نیز می شود.

## ب) شخصیت پردازی :

۱ - پرداخت مستقیم خصوصیات شخصیت ها معمولاً در داستان هایی صورت می گیرد که شخصیت های بسیار زیادی دارند و نویسنده در طول داستان، مجال پرداخت غیر مستقیم مشخصات آن ها را پیدا نمی کند و به همین خاطر خصوصیات شخصیت ها را در یک یا دو جمله از زبان خود و یا یکی از شخصیت های داستان بیان می کند. در داستان هایی که یک یا دو شخصیت اصلی دارند، این کار از قوت داستان می کاهد و نویسنده باید به طور غیر مستقیم - یعنی از طریق گفتار و کردار آن شخصیت ها - به آن ها بپردازد.

۲ - باید خصوصیات شخصیت هایی را بیان کرد که در داستان نقش اصلی را دارند. در غیر این صورت، باعث پراکندگی ذهن خواننده می شود.

۳ - نباید همه ی لحظاتی را که بر شخصیت های داستان می گذرد، با ذکر جزئیات در داستان بیاوریم، بلکه تنها لحظاتی را باید در داستان آورد که در آن زمان، حوادث خاص - که در طرح داستان نقشی داشته باشند - اتفاق می افتد. از روی لحظات دیگر می توان بسیار راحت و تنها با اشاره گذشت.

۴ - داستان هایی که از زبان اول شخص تعریف می شوند، داستان های عاطفی و دارای فضای صمیمانه هستند و داستان هایی که از زبان سوم شخص روایت می شوند، داستان های حادثه ای هستند و بهتر است که جای این دو را رعایت کنیم.

## پ) اسم داستان :

اسم داستان باید جدید، جاذبه برانگیز و خوش آهنگ باشد. اسم داستان نباید طرح داستان را لو بدهد و همچنین باید در ارتباط منطقی با فضای داستان باشد.

بهتر است اسم داستان را در آخر انتخاب کنید. زیرا در طول نوشتن داستان، ذهن شما داستان را تغییر می دهد و داستانی که در ابتدا قصد داشتید بنویسید همانی نیست که حالا نوشته اید.

با برداشت از کتاب پلی به سوی داستان نویسی - نوشته ی داریوش عابدی ح